

زنان و فرهنگ مصرف آب

اسفندیار غفاری نسب^{۱*}، سیدابراهیم مساوات، محمدعلی قاسمی نژاد

۱. دانشیار، علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه یاسوج

۳. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۶/۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۱۳

Women and Culture of Water Consumption

Esfandiyar Ghaffarinasab^{1*}, Seyyed Ebrahim Mosavat², Mohammad Ali Ghaseminezhad³

1. Social Science Associate Professor, Shiraz University

2. Ph.D. Sociology student, Yasuj University

3. M.A. in Sociology

Reception: 5 September 2017; Acceptation: 4 December 2018

Abstract

Safe water is considered both an essential need for human beings, and also a key requirement for economic activities. Researchers' observations and studies have shown that women have considerable role in water consumption management. They plan as home managers to meet the needs of the household and how they are consumed can play a key role in translating culture and pattern of consumption into children, spouses and relatives. They also use water to cook food, productive activities, and earnings and services, so they have considerable knowledge about the quantity and quality of water and its limitations. Considering the role of women in water management, they can play an important role in water committees or labor supply by contributing to prioritizing and programming for plans. Our countries' experience and other countries show that women's participation in projects not only causes their benefit from the plans' services, but also it causes empowerment and their promotion in position in the society.

Keywords: Water, Women, Consumption Management, Water Resources.

چکیده

آب سالم هم یک نیاز ضروری برای انسان است و هم نیازی کلیدی برای فعالیت اقتصادی به شمار می‌رود. مشاهدات و مطالعات پژوهشگران نشان داده است که زنان نقش قابل توجهی در مدیریت مصرف آب دارند. آنان به عنوان مدیر خانه، برای تأمین نیازهای خانوار و چگونگی مصرف برنامه‌ریزی می‌کنند و می‌توانند در انتقال فرهنگ و الگوی صحیح مصرف به فرزندان، همسر و نزدیکان نقش کلیدی داشته باشند؛ همچنین از آب برای طبخ غذا، فعالیت‌های تولیدی و درآمدزا و خدمات‌رسانی استفاده می‌کنند؛ بنابراین در ارتباط با کمیت و کیفیت آب و محدودیت‌های آن از دانش قابل توجهی برخوردار هستند. با توجه به نقش زنان در مدیریت مصرف آب، می‌توانند با مشارکت در تعیین اولویت‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای طرح‌ها نقش مهمی در کمیته‌های آب و یا تأمین نیروی کار مورد نیاز داشته باشند. تجربه کشور ما و سایر کشورها نشان می‌دهد که مشارکت زنان در طرح‌ها نه تنها باعث بهره‌مند شدن آنان از خدمات طرح‌ها می‌شود، بلکه باعث توانمندسازی و ارتقاء موقعیت آن‌ها در جامعه می‌گردد. Alnaber&Shatanawi, 2012; Guiriba, 2010; Resurreccion et al., 2004

کلیدواژه‌ها: آب، زنان، مدیریت مصرف، منابع آب.

مقدمه

در طی ۲۰ سال آینده «آب شیرین» مهم‌ترین مسئله استراتژیک در منابع خواهد شد و برای تداوم حیات و دستیابی به توسعه پایدار ضروری خواهد بود. کنترل آب منبعی برای قدرت و کلیدی برای توسعه اقتصادی خواهد شد. به‌علاوه به یکی از علل ریشه‌ای تنش‌های سیاسی - اجتماعی تبدیل می‌گردد (Gender and Water Demand Management, 2004: 4). در حال حاضر ۲۰ کشور دنیا از لحاظ منابع آب به همسایگان خود نیازمندند و مصرف آب نیز در هر ۲۰ سال جهان دو برابر می‌شود و به همین دلیل است که جنگ‌های آینده جهان را «جنگ‌های آب» نامیدند (علیپور و فکورین، ۱۳۸۷: ۴).

زنان به‌گونه‌ای اساسی در تهیه و مدیریت آب مورد نیاز کشاورزی و مصرف خانگی درگیرند و اغلب در جمع‌آوری و مصرف آب پیشرو هستند؛ بنابراین نادیده گرفتن تأثیرات آن‌ها یک اشتباه جدی است (A Gender Perspective on Water Resources and Sanitation, 2004: 4 El-- Kady, M., M. Tawfik, 2012: 17).

درگیر کردن زنان در مدیریت پروژه‌های آبیاری مقیاس کوچک نشان داده است که کارایی استفاده از آب، بهبود یافته است. زنان همچنین وارد فعالیت‌های دیگری مانند تقسیم‌بندی آب، محافظت از آب، خاک و بازسازی چشمه‌ها برای افزایش تولیدات شده‌اند (Al-Naber, S.- and M. Shatanawi, 2012: 97).

مدیریت آب به‌ویژه زمانی که منابع آب در محدودیت قرار می‌گیرند از اهمیت خاصی برخوردار است. اعمال مدیریت مناسب در زمینه‌های تأمین و توزیع، کنترل و حفظ کیفیت آب و همچنین شیوه‌های مصرف آن، نقش تعیین‌کننده‌ای در بهره‌گیری از این منابع محدود دارد. در این میان نقش زنان به‌عنوان نیمی از ظرفیت فعال جامعه و مدیران بالقوه و بالفعل فرهنگ‌سازی در جامعه نقشی بی‌بدیل است. بیش از یک دهه است که کشورهای متعددی در جهان، نقش زنان را در امر تأمین، مدیریت و حفاظت از منابع آب آزموده‌اند و از بهره‌وافر آن بهره‌مند شده‌اند. در نشست‌ها و کنفرانس‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی نیز از این تجربیات و ظرفیت‌ها در امر مدیریت آب استفاده شده است (محمودی، ۱۳۸۰: ۲۲).

ایران در نزولات جوی رتبه ۸۴ جهانی را دارا است و میزان کل بارندگی سالانه در کشور ۴۲۷ میلیارد متر مکعب

است که تنها ۱۳۰ میلیارد متر مکعب آب تجدید می‌شود. این در حالی است که ۷۴ درصد مساحت ایران خشک و نیمه خشک است که متوسط بارندگی این مناطق کمتر از ۲۵۰ میلی‌متر است و ۱۳ درصد مساحت دیگر کشور کمتر از ۱۰۰ میلی‌متر بارندگی، ۸ درصد بین ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ میلی‌متر و تنها ۱ درصد مساحت کشور بیشتر از ۱۰۰۰ میلی‌متر بارندگی دارد.

امروزه نیازهای آبی جمعیت حدود ۷۵ میلیون نفری ایران با ۹۳ تا ۹۵ میلیارد مترمکعب آب قابل استحصال اداره می‌شود، اما در ۲۰ سال آینده بدون تردید با رشد جمعیت و تقاضا، ارتقاء سطح بهداشت و بالا رفتن استانداردهای زندگی، این میزان بسیار فراتر خواهد رفت (علیپور و فکورین، ۱۳۸۷: ۴).

با توجه به مسائل مطرح شده درباره آب و ضرورتی که نیازمند مشارکت دوگانه مردان و زنان در امر مدیریت منابع آب می‌باشد، مقاله حاضر بر آن است تا ابعاد مختلف این مهم را مورد بررسی قرار دهد. در این راستا مقاله در پی آن است که به سؤالات زیر پاسخ دهد:

بررسی و تعیین نقش زنان در مدیریت منابع آب چه اهمیتی دارد؟ طبقه و جنسیت چه نقشی در مدیریت منابع آب دارند؟ زنان در جامعه ایرانی چه نقشی می‌توانند در مدیریت منابع آب داشته باشند؟

اهمیت نقش و مشارکت زنان در مدیریت منابع آب

رهیافتی که نیازها، دانش و مهارت‌های زنان را در نظر گیرد، می‌تواند در حفاظت و ذخیره‌سازی محیط‌زیست کمک کند و از آسیب رسیدن بیشتر به منابع آب جلوگیری نماید. به‌علاوه، چنین رهیافتی می‌تواند تأثیرات منفی را کاهش دهد و مکانیسم‌های مقابله با خشکسالی و سیل را که به‌وسیله تغییرات اقلیمی رخ می‌دهد، بهبود بخشد. همچنین این فواید می‌تواند بر عرضه آب، بهداشت، کشاورزی و توسعه اقتصادی اجتماعی جامعه تأثیرگذار باشد.

توجه به نقش زنان در مدیریت منابع آب شامل موارد زیر است:

- با در نظر گرفتن نقش زنان می‌توان ارزیابی بهتری از موقعیت، عوامل آسیب‌زا و تأثیرات ارائه داد. اگر مدیریت منابع آب نقش‌ها و نیازهای متفاوت

تقسیم‌بندی کرد:

اول- مالکیت زمین و دستگاه پمپاژ آب برای دستیابی به آب زیرزمینی.

دوم- دستیابی بازاری، خرید آب از فروشگاه‌ها یا دارندگان دستگاه پمپاژ آب.

سوم- دسترسی طبیعی و متداول از طریق رودخانه، دریاچه و یا تانکرهای آبی عمومی.

چهارم- تهیه آب توسط دولت در قالب پروژه‌های ملی آب شهری و آب کشاورزی

(Crow, Ben & Farhana Sultana, 2002: 711).

خانوارهایی که زمین دارند و در دسته اول قرار می‌گیرند، قادرند که آب را پمپاژ کنند و سپس قابل استفاده نمایند، بدون اینکه زمان زیادی سپری کنند؛ اما خانواده‌های بدون زمین با محدودیت‌های بیشتری برای تهیه آب روبرو هستند؛ به عبارت دیگر، روابط مالکیت شرایط متفاوتی را برای دسترسی به آب ایجاد می‌کند که برخی خانواده‌ها یا کارخانه‌ها را محروم می‌کند.

روستاها و آبادی‌ها معمولاً به شیوه سوم، یعنی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها آب مورد نیاز خود را تأمین می‌کنند اما مسئله‌ای که وجود دارد این است که با افزایش جمعیت و کاهش منابع آبی، تلاش برای دستیابی به آب با تنش‌هایی همراه خواهد بود؛ به هر حال در این نواحی هر چهار شیوه دسترسی به آب وجود دارد. امکانات مادی و تقسیم‌بندی‌های اجتماعی بر نحوه تهیه آب بسیار مؤثر است، به طوری که خانواده‌ها و کارخانه‌های ثروتمند در مقایسه با خانواده‌ها و کارخانه‌های کم‌درآمد تفاوت چشمگیری دارند. در این میان حتی کیفیت و ماندگاری آب نیز با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خانواده‌ها در ارتباط است (Crow, Ben 2002: 712-711 & Farhana Sultana).

شرایط دسترسی به آب، سلامت و زندگی بسیاری از خانواده‌های فقیر را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این خانواده‌ها عموماً آب ناسالم مصرف می‌کنند و حتی میزان دسترسی آن‌ها به آب برای کاشت محصول و زنده ماندن با محدودیت مواجه است. اخیراً یک مطالعه انتقادی دربارهٔ ارزیابی فقر در چندین کشور آفریقایی نتیجه‌گیری کرده است که عرضه آب سالم برای اقشار فقیر باید در اولویت قرار گیرد (بوث و همکاران، ۱۹۹۸: ۷).

آنچه تاکنون دربارهٔ موضوع طبقه و آب کمتر آشکار بوده است، تعامل روابط جنسیتی با نابرابری‌های مادی

زنان و مردان را در نظر بگیرد، می‌تواند راه حل‌های قابل قبول‌تر و مناسب‌تری را اتخاذ کند. بسیاری زنان همچون مردان به این نتیجه رسیده‌اند که ترمیم کردن جنگل، چمن‌زارها، زمین‌های مرطوب و دیگر ویژگی‌های طبیعی، بهترین راه برای حفاظت از آب در طولانی مدت است.

- مشارکت زنان در کنار مردان مهم است. نه تنها مهارت‌ها و دانش هر دو جنس باید ملاحظه شود، بلکه اطلاعات راجع به مدیریت منابع آب باید به عنوان هدفی در نظر گرفته شود که مردان و زنان در آن سهیم هستند.
- احساس مالکیت محلی و مسئولیت پذیری نسبت به منابع طبیعی بهبود می‌یابد. این پتانسیلی است که مخصوصاً به روستاییان فقیر و زنان داده می‌شود تا در مدیریت یک اکوسیستم سالم مشارکت کنند و از منافع آن بهره‌مند شوند. چنین اعمالی نابرابری‌های جنسیتی را کاهش می‌دهد و منافع اقتصادی اجتماعی به بار می‌آورد که متعاقب آن، زنان ترغیب می‌شوند در پاکیزه سازی و بهبود کیفیت آب مشارکت کنند (راولز، ۲۰۱۲: ۳).

آب، طبقه و جنسیت

طبقه از جمله مفاهیمی است که توسط نظریه پردازان مختلف مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله تعریف وارنر^۱ از طبقه را مد نظر قرار می‌دهیم: «دو یا چند قشر اجتماعی که بر پایهٔ باور افراد اجتماع و وسیلهٔ آنان در پایگاه‌های اجتماعی برتر و فروتر گروه بندی شده ... برای ورود به هر طبقه باید در کنش‌های رویارویی شرکت کرد تا موردپذیرش دیگر اعضای گروه واقع شد» (لهسای زاده، ۱۳۷۴: ۶۴). وارنر از معیارهایی مانند شغل، میزان درآمد، منبع درآمد، نوع منزل مسکونی، محل سکونت، تحصیلات برای اندازه گیری پایگاه و طبقه اجتماعی افراد استفاده می‌کند.

چنانچه بخواهیم چگونگی رابطه بین طبقه اجتماعی با آب را مورد بررسی قرار دهیم، بهتر است کشورهایی با مشکل کم آبی را مدنظر قرار دهیم. در این بین، در نواحی جنوبی جهان که معمولاً با مشکل کم آبی مواجه هستند، شیوه‌های دسترسی به آب را می‌توان در چهار دسته

1. Warner

خانواده‌های فقیر افزایش یابد. دسترسی زنان فقیر به آب ممکن است به گونه‌ای مضاعف محدود شود؛ اول، به خاطر دسترسی ضعیف خانواده به منابع و دوم به خاطر اولویت اندکی که به آن‌ها برای کار، دانش و مسئولیت‌پذیری داده می‌شود (Crow, Ben & Farhana Sultana, 2002: 713). برای درک کامل‌تر این محرومیت دوگانه نیاز است که نقش زنان طبقه پایین در عرصه فعالیت خانوادگی و روابط آن‌ها در سطح فرا خانوادگی مورد بررسی قرار بگیرد.

زنان به‌عنوان مصرف‌کنندگان و مدیران منابع آب

چنانچه رابطه جنسیت و مدیریت منابع آب به‌طور کلی بررسی شود، باید به نکات زیر اشاره کرد:

الف) از آنجا که زنان و مردان به شیوه‌های متفاوتی از آب استفاده می‌کنند، شیوه‌های دستیابی‌شان مختلف است و علایق متفاوتی در مورد مدیریت منابع آب دارند و به روش‌های مختلف اما نسبت‌های گوناگون پایداری محیط را کاهش می‌دهند؛ اما هنگامی که به این گوناگونی‌ها نگرسته می‌شود، متوجه می‌شویم که مسائل آن‌ها متفاوت است؛ برای مثال، مردان به آب بیشتر به‌عنوان یک منبع تجاری وابسته هستند؛ مثلاً برای کشاورزی. زنان عموماً مسئول تهیه آب برای مصارف خانگی هستند؛ از قبیل نوشیدن، پخت و پز و شست‌وشو.

ب) زنان و مردان از دانش‌های متفاوتی برخوردارند که به آن‌ها کمک می‌کند عواملی را که به بهبود شرایط اجتماعی و طبیعی محلی منجر می‌شود، شناسایی کنند؛ برای مثال، شناسایی منابع آبی که کمتر آسیب‌پذیر هستند و ارائه طرح‌های مدیریت منابع آب مؤثرتر.

ج) پاسخ‌های افراد به پیش‌بینی‌ها و تغییرات ناگهانی در منابع آب و محیط، زمانی مؤثرتر است که تمام اعضای مجموعه بتوانند نظراتشان را راجع به چالش‌های پیش آمده، بیان کنند. در این شرایط زنان می‌توانند برای احیای محیط‌زیست پیشگام باشند تا آسیب‌های احتمالی را کاهش دهند.

د) مشارکت زنان و مردان، تداوم و حفظ اکوسیستم آب شیرین را تسهیل می‌کند. معمولاً همه افراد جامعه مایل‌اند سلامت محیط خود را بهبود دهند. وقتی که چنان علایقی در جهت حل مشکلات آب و محیط‌زیست قرار می‌گیرد،

جهت تهیه آب است. روابط جنسیتی حداقل به سه شکل بر روابط اجتماعی برای دسترسی به آب تأثیر می‌گذارد. **نخست؛** در همه جوامع تقسیم کار جنسیتی وجود دارد. در بسیاری جوامع، زنان به‌طور سنتی وظیفه سازمان‌دهی و انجام کارهای منزل را بر عهده دارند. این کارها شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها از قبیل کارهای روزمره (آشپزی، شست‌وشوی ظروف و لباس‌ها)، مراقبت از سلامت اعضای خانواده، مراقبت و پرورش کودکان می‌شود. تهیه آب از جمله کارهایی است که وقت نسبتاً زیادی می‌گیرد و این کار اغلب بر عهده زنان و کودکان خانواده است. در واقع زنان در اغلب جوامع بیش از مردان کار می‌کنند (پیرسون ۱۹۹۲ نقل شده در Crow, Ben & Farhana Sultana, 2002: 712). زنان باید مراقب باشند آب باکیفیت بالا تهیه کنند تا کودکان سالم بمانند و دیگر کارهای مشقت بار خانه به‌موقع انجام شود. خیلی اوقات دختران مجبورند برای تهیه آب، از رفتن به مدرسه خودداری کنند.

دوم؛ در بیشتر دنیا و مخصوصاً در آسیای جنوبی، اغلب سرمایه‌های تولیدی شامل زمین، کارخانه‌ها و منابع مالی در مالکیت مردان است. این بدان معنا است که اشکال دسترسی به آب که جزئی از مالکیت است، در سلطه مردان است. زنان معمولاً مجبورند به شیوه خرید آب روی بیاورند (Sen, 1996). به‌علاوه تصمیم‌گیری در ادارات دولتی و نهادهای عمومی نیز در کنترل مردان است (Agarwal, 2000). بنابراین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که تصمیم‌گیری در هر چهار شیوه دستیابی به آب مرد محور است.

سوم؛ گفتمان سیاسی و هنجارهای محلی ممکن است استفاده اقتصادی از آب را در حوزه مردانه و استفاده خانگی را در حوزه زنانه قرار دهد؛ بنابراین فرودستی زنان، به مردان قدرت اقتصادی و اجتماعی بیشتری می‌دهد و همین مسئله به اولویت آنان برای تصمیم‌گیری راجع به آب منتهی می‌شود. به‌علاوه، آنجایی که استفاده از آب مثل آبیاری توسط مردان صورت می‌گیرد، نسبت به استفاده زنان از آب شامل نوشیدن، آشپزی و شست‌وشو، توجه بیشتری را در اجتماع به خود جلب می‌کند (Crow, Ben & Farhana Sultana, 2002: 712).

روابط جنسیتی و نابرابری‌های مادی چگونه بر استفاده‌های اجتماعی از آب و پیامدهای آن تأثیر می‌گذارد؟ محرومیت مادی فقر ممکن است با نقش فرودست زنان ترکیب شود تا بدین صورت مخاطرات سلامتی مربوط به

می‌توان از طریق مباحثه و مشورت، به بهترین نتایج در خصوص حفظ محیط‌زیست رسید (داوی، ۲۰۰۶).

علی‌رغم همه منافع‌هایی که در خصوص مشارکت دوگانه زنان و مردان مطرح شد و استفاده‌هایی که از مهارت‌ها و دانش آن‌ها می‌توان نمود، هنوز موانع بزرگی برای مشارکت در مدیریت منابع آب، بر سر راه زنان وجود دارد. برای مثال:

(الف) معمولاً زنان روستایی فقیر هنگامی که کم آبی پیش می‌آید، بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند چرا که ابزارهای محلی معاش را از دست می‌دهند؛ مثلاً در خشکسالی زنان فقیر مجبورند برای جمع‌آوری آب و غذا به نقاط دورتری بروند.

(ب) برای بسیاری از زنان سخت است که در مورد نیازها و مشکلات منابع آب صحبت کنند. اجازه دادن برای مشارکت زنان در مدیریت آب، یکی از راه‌حل‌های این معضل است (راولز، ۲۰۱۲: ۳).

راهبردهای زنان در جهت مدیریت بهینه منابع آب

(الف) آن‌ها می‌توانند آب را در خانه به‌خصوص آشپزخانه به‌گونه‌ای خردمندانه استفاده کنند. آن‌ها به روش‌های مختلفی می‌توانند از آب‌هایی که استفاده شده، دوباره استفاده کنند؛ مثلاً از آبی که برای لباس شستن استفاده شده، جهت آبیاری گل‌ها و درختان باغچه استفاده کنند و نظایر آن.

(ب) زنان توانایی زیادی در حفظ شبکه آب در خانه دارند و مطمئناً می‌توانند این فعالیت‌ها را به سطوح بالاتری گسترش دهند.

(ج) زنان می‌توانند در طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی مربوط به آب مشارکت نمایند و بدین گونه نقش مهمی را در آموزش کودکان و دیگر افراد جامعه، برای حفاظت از منابع آب ایفا کنند.

(د) زنان می‌توانند در مدیریت و استفاده مؤثر از منابع آب آبیاری در سطح باغچه خانه و زمین زراعی مشارکت نمایند. زنان نشان داده‌اند که می‌توانند از روش‌ها و تکنیک‌های نوین کشاورزی به‌خوبی استفاده کنند و در مصرف منابع، شیوه صحیح و اصولی به کار گیرند.

(ه) زنان می‌توانند نقش مهمی را در مدیریت و محافظت

از منابع آب با مشارکت در سازمان‌های غیردولتی ملی و محلی اجرا کنند. فعالیت آن‌ها به‌خصوص در سازمان‌های حفاظت محیط، محافظت از منابع طبیعی و مدیریت منابع آب می‌تواند اثرگذار باشد (اسمیرت، ۲۰۰۶: ۲۹-۳۰).

برای تشریح نقش زنان در مدیریت آب، به نمونه‌های عینی تجارب زنان در کشورهای گوناگون، اشاره می‌شود:

(الف) در اردن، تعداد مهندسان زنی که در شرکت‌های دولتی مرتبط با آب کار می‌کنند در حال افزایش است، نقش‌های مدیریتی آن‌ها در وزارت آب و آبیاری، وزارت کشاورزی و مرکز ملی تحقیقات کشاورزی بارز است. برای مثال ۲۰ درصد از نیروی کار وزارت آب و آبیاری را زنان تشکیل می‌دهند و در این بین نقش آن‌ها به‌عنوان مدیران تصمیم‌گیرنده در خصوص پروژه‌های آب رسانی، بیش از ۲۰ درصد می‌باشد. این موضوع به خاطر این است که تعداد فارغ‌التحصیلان زن در رشته‌های کشاورزی و مهندسی از دانشگاه‌ها و سایر نهادهای آموزشی در اردن در حال افزایش است. به طور کلی می‌توان گفت حدود ۶۰ درصد از دانشجویان را دختران تشکیل می‌دهند.

زنان در اردن علاوه بر بخش دولتی در بخش‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی^۲ نیز فعالیت می‌کنند؛ برای مثال زنان روستایی، روزانه زمان زیادی را صرف انجام کارهای خانه و کشاورزی می‌کنند، بدون اینکه دستمزدی دریافت کنند. هرچند فعالیت‌های آن‌ها مستقیماً با آب مرتبط است اما این مسئله به‌تازگی مورد توجه قرار گرفته است. در این راستا برخی نهادها شکل گرفته و فعالیت خود را آغاز کرده‌اند که عبارت‌اند از: کمیته ملی زنان اردن، مجمع ملی زنان اردن و دفتر کار زنان. یکی از قدیمی‌ترین نهادها، صندوق بین‌المللی توسعه کشاورزی است که سابقه آن به چهار دهه قبل می‌رسد. یکی از اهداف اساسی این مؤسسه، درگیر کردن زنان به‌عنوان نیروی کلیدی در توسعه کشاورزی و بهبود شیوه‌های مدیریتی آب می‌باشد (النبر و شانوی، ۲۰۱۲: ۱۰۶-۱۰۳).

(ب) در فیلیپین زنان معمولاً در سطوح بالای تصمیم‌گیری در خصوص محیط‌زیست و آب نادیده گرفته می‌شوند؛ اما علی‌رغم نگاه‌های تبعیض‌آمیزی که علیه آن‌ها وجود دارد، در سازمان‌های غیردولتی مشغول به فعالیت هستند و تلاش می‌کنند دیدگاه‌های سنتی را در این باره تغییر دهند. تعهد

آب بسیار برجسته است. منبع تمام حیات، آب است که بدون آن زندگی غیرممکن می‌شود. زنان نقش‌های چندگانه‌ای را در خانواده و اجتماع بر عهده دارند و این نقش‌ها موجب افزایش احساس مسئولیت برای حفظ و مدیریت منابع آب می‌گردد. در این میان تلاش‌های بسیاری صورت گرفته است تا دیدگاه سنتی نسبت به نقش‌های زن در مورد تصمیم‌گیری و مدیریت آب تعدیل پیدا کند، تلاش‌هایی که ثمره آن‌ها را می‌توان در کشورهای گوناگون مشاهده نمود.

تأثیر کمبود آب و آلودگی‌های آبی بر زنان

برخی از مشکلات بی‌شماری که زنان هنگام خشک شدن منابع آب و یا آلودگی آب با آن مواجه می‌شوند، عبارت‌اند از: افزایش فشار کاری، به خطر افتادن سلامتی، تغییر مکان، از دست دادن منابع و فرصت‌های اقتصادی محدود و... از آنجایی که آب نوشیدنی سالم برای سلامتی انسان‌ها بسیار ضروری است، کمبود آب بهداشتی فشار زیادی را بر خانواده‌ها می‌آورد، خانواده‌هایی که عمدتاً زنان و کودکان مسئول تهیه آب هستند. این کار نه تنها پرمشقت و تکراری است، بلکه بخش قابل ملاحظه‌ای از روز زنان و کودکان را پر می‌کند. در کشورهای جنوبی جهان که مشکل کم آبی بیشتری دارند، زنان معمولاً بخش اعظم نیروی کار کشاورزی را تشکیل می‌دهند؛ اما دسترسی بسیار اندکی به زمین و منابع آب دارند؛ در نتیجه نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری در مورد آب بسیار محدود است و آن‌ها بیشتر زمان خود را در زمین‌های کشاورزی می‌گذرانند (وئگ و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۲۵).

تهیه آب و حمل و نقل آن برای زنان روستایی جنبه‌های منفی فراوانی را برای این افراد به همراه دارد. حمل بار سنگین آب نه تنها یک کار سخت و زمان‌بر و طاقت‌فرسا است، بلکه آنان را در معرض خطرات جسمی مانند مشکلات استخوانی قرار می‌دهد و با توجه به اینکه اکثر زنان روستایی در معرض سوء تغذیه قرار دارند، حمل بار سنگین در مسافت‌های طولانی، باعث صرف انرژی فراوانی از این افراد می‌گردد (رابط، ۱۳۸۰: ۸).

در برخی مناطق کم آب، اگرچه زنان مجبورند زمان و انرژی زیادی را برای کار صرف کنند، هنگام تشنگی با

و توجه ذاتی زنان به انجام فعالیت‌های مدافع محیط‌زیست نشانگر عشق مادرانه آن‌ها نسبت به محیط، فرزندانشان و نسل‌های آینده است. اگرچه این کار ممکن است بازخورد اقتصادی نداشته باشد، آن‌ها آگاه‌اند که تنها راه حفاظت از خودشان و خانواده‌شان، محافظت از منابع طبیعی و آب می‌باشد. آنان در هر قالب و شکلی چه به‌عنوان زنان خانه دار و چه زنان کشاورز سعی می‌کنند این وظیفه را به‌خوبی انجام دهند (گروپا، ۲۰۰۸: ۱۰۹-۱۰۸).

ج) بانک توسعه آسیا همواره کوشیده است تا زمینه‌ای برای تمرکز زدایی از مدیریت منابع آب در تایلند فراهم کند و یک رهیافت مشارکتی را جایگزین مرد محوری در سازمان‌های مربوطه نماید. علی‌رغم همه تلاش‌ها، شواهد نشان می‌دهد که اکثر زنان در تایلند از مشارکت و مشورت در سطوح بالای مربوط به مدیریت آب، محروم هستند. یک دلیل عمده، بی‌علاقگی مردان نسبت به واگذاری قدرت از سطح ملی تا محلی است. از آنجایی که زنان در تایلند نقش عمده‌ای در کشاورزی دارند، می‌توانند حداقل در مورد مسائل محلی تأثیرگذار باشند. با این وجود، زنان با تشکیل گروه‌های زنانه‌ای که در جهت حفاظت از منابع آب صورت می‌گیرد و به‌عنوان مربیانی که فرهنگ صحیح مصرف را به نسل‌های بعدی منتقل می‌کنند، در حفاظت و مدیریت منابع آب تأثیرگذارند (ریسرشن و همکاران، ۲۰۰۴: ۵۳۱).

د) در مالزی نقش و وضعیت زنان به‌خصوص بعد از استقلال ۱۹۵۷ بهبود یافته است. در برنامه نهم مالزی (۲۰۱۰-۲۰۰۶) یک فصل کامل به نقش زنان در مشارکت همه جانبه اختصاص داده شد. از سال ۲۰۰۰ به بعد، زنان به خاطر دستیابی به فرصت‌های برابر در تحصیل و آموزش، مراقبت‌های سلامتی و فرصت‌های شغلی، رو به پیشرفت بوده‌اند. طبق برنامه نهم مالزی زنان باید در امر مشورت و تصمیم‌گیری در مورد مسائل ملی و از جمله مدیریت منابع آب شرکت داده شوند. تشکیل وزارت زنان، خانواده و توسعه اجتماعی - با وزارت یک زن - این روند را تسریع کرده است. سازمان‌های غیردولتی زنان نیز در مالزی قوی و فعال هستند. بسیاری از آنان فمینیست‌های مستقلی هستند که نه تنها بر نقش زنان در مورد آب تأکید می‌کنند، بلکه خواستار ارتقای جایگاه تصمیم‌گیری زنان در همه سطوح می‌باشند (وئگ و همکاران، ۲۰۰۷: ۱۱۷-۱۱۶).

بر اساس آنچه گفته شد، زنان محیط اطرافشان را به‌عنوان سیستم بقای حیات می‌بینند که در این میان نقش

شود، پیامدهای بیماری‌هایی که گریبان گیر زنان می‌شود، دوچندان می‌گردد.

زنان و آب در ایران

در بیشتر جوامع از جمله جامعه ایرانی رسم بر این بوده است که مرد مسئول تأمین معاش و زن مسئول تأمین سلامت و بهداشت خانواده باشد. شواهد گویای آن است که زنان به‌طور طبیعی تمایل بیشتری به حفظ طبیعت و دوستی با آن دارند؛ به‌طور مثال، پرورش گیاه به دست زن و قطع درختان برای امرار معاش به دست مرد، پرورش حیوانات به دست زن و شکار حیوانات جهت تهیهٔ خوراک به دست مرد بوده است؛ لذا به دلیل نقش تاریخی و خانوادگی زن و نیز روحیات و تمایلات وی امروزه نقش زن در مدیریت محیط‌زیست و آب از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (روستایی، ۱۳۸۰: ۶۴).

کشور ما به دلیل واقع شدن در شرایط خاص اقلیمی خشک و نیمه خشک و با متوسط بارندگی ۲۵۰ میلی متر در سال، از جمله کشورهایی محسوب می‌گردد که در تأمین آب برای مصارف مختلف با مشکلات عدیده‌ای مواجهه می‌باشد، به‌طوری که بر اساس برآوردهای صورت گرفته، متوسط حجم سالانه منابع آب سطحی و زیرزمینی قابل استفاده کشور به حدود بالغ بر ۱۵۰ میلیارد مترمکعب می‌گردد که هم اینک بالغ بر ۶۰ درصد ظرفیت آبی، جهت مصارف مختلف استفاده می‌شود. بر اساس شاخص‌های جهانی، کشوری که بیش از ۴۰ درصد منابع آبی خود را مصرف نماید، وارد مرحله تنش آبی شده است؛ بنابراین کشور ایران وارد این مرحله شده است؛ رخدادی که در صورت تداوم روند فعلی مصرف و عدم اجرای سیاست‌های جبرانی، یقیناً حامل بحران‌های جدی خواهد بود (ثابت رفتار، ۱۳۸۰: ۳۸).

در ایران زنان به شکل قابل ملاحظه‌ای در فعالیتهای کشاورزی شرکت دارند. برای مثال می‌توان گفت حداقل ۳۰ درصد از آنان در مراحل مختلف کاشت و برداشت برنج شرکت دارند (آریان و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۶). طبق پژوهشی که آریان و همکارانش در برخی روستاهای شمالی کشور انجام داده‌اند، مدیریت آب در روستاها غالباً از طریق شوراهای اسلامی روستاها، برنامه ریزی و اعمال می‌گردد و به‌طور معمول تمامی اعضای شورا در این امر نقش نداشته،

مشکلی مواجه می‌شوند: شوری یا فاضلاب‌های صنعتی و خانگی آب چشمه‌ها و جوی‌ها را غیرقابل نوشیدن کرده است. پس اگر آب سالم پیدا نکنند، باید سعی نمایند تا با استفاده از روش‌های ابتدایی، آب آلوده را قابل آشامیدن کنند (ویر و همکاران، ۲۰۰۶: ۱۹-۱۸).

هنگامی که یکی از اعضای خانواده به خاطر نوشیدن آب ناسالم چشمه یا جوی‌ها بیمار می‌شود، نقش سنتی زنان به‌عنوان پرستار؛ به دیگر وظایف آن‌ها اضافه می‌گردد. هنگامی که مردان خانواده به خاطر مشکلاتی از قبیل: نابرابری زمین کشاورزی، کمبود زمین و کاهش ماهیگیری به خاطر آب‌های آلوده و ماهی‌های مریض؛ مجبور به مهاجرت می‌شوند، زنان باید درآمد خانواده را از طریق کارهای ملال آوری مثل گل دوزی تهیه کنند.

در بعضی از مناطق کم آب، برخی از بیماری‌های متداول توسط زنان گزارش شده است: اسهال، سل، هپاتیت، نوزاد نارس، سقط جنین، تیروئید و مشکلات چشمی. زنان به خاطر مشکلات آب، رنج بیشتری می‌برند. در این میان آب کم کیفیت، انتظارات اجتماعی و فشار کاری نیز به‌نوبه خود بر سلامت باروری زنان تأثیر گذار است. هنگامی که کمبود آب افزایش می‌یابد، توجه کمی به بهداشت و نظافت شخصی می‌شود، یعنی زنان مجبورند آب بیشتری را برای مسافت طولانی‌تر حمل کنند. یک زن سندی^۳ می‌گوید در منطقه سکونت او، زنان تنها سه مرتبه حمام می‌کنند؛ یعنی هنگامی که متولد می‌شوند، زمان ازدواج و هنگام مرگ (ویر و همکاران، ۲۰۰۶: ۲۲).

در زاغه‌نشین‌های شهری پاکستان، بیشتر زنان به عرضهٔ آب عمومی وابسته هستند. ساکنین فقیر از امکانات عمومی برای حمام کردن استفاده می‌کنند، اما این کار برای زنان دشوار است چون هیچ‌گونه حریم خصوصی وجود ندارد. مصرف بیهوده آب در جمعیت با تراکم بالا که حتی سرویس بهداشتی عمومی وجود ندارد، یک معضل عمده است. بسیاری زنان از اینکه باید برای زمان و مکان مناسبی برای تخلیه^۴ منتظر بمانند، رنج می‌برند. آن‌ها مجبورند که مسافت طولانی را طی کنند تا جای مناسبی پیدا کنند و یا اینکه نیاز خود را به بعد از تاریکی هوا موکول کنند که هر دو مورد آسیب‌هایی را به سلامتی آن‌ها وارد می‌کند (نورن، ۲۰۱۲). اگر به این مورد، فقدان آب نیز اضافه

3. Sindhi
4. Excretion

را انتقال می‌دهند (رابط، ۱۳۸۰: ۷-۸).

با نگاهی به موضوعیت قوانین مصوب برنامه سوم توسعه کشور ملاحظه می‌گردد که بسترسازی و ظرفیت‌های قانونی مناسبی جهت نیل به افزایش سهم جوامع و نهادهای کردن مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و هماهنگی در مدیریت یکپارچه منابع پایه معمول گردیده است. این مهم به طور مشخص در بند الف ماده ۱۰۴ و بندهای ۳ و ۶ تبصره ۲ ماده ۱۰۶ منعکس شده است. در عین حال به استناد ماده ۱۵۸ قانون برنامه سوم توسعه، نقش و جایگاه زنان مورد تأکید خاص قرار گرفته به‌طوری که مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری موظف گردیده است تا در جهت زمینه سازی برای ایفای نقش مناسب زنان در توسعه کشور و تقویت نهاد خانواده، ضمن انجام مطالعات لازم، با همکاری دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط اقداماتی نظیر شناسایی نیازهای آموزشی، فرهنگی و ورزشی خاص زنان و ارائه طرح‌های مناسب جهت افزایش فرصت‌های اشتغال زنان و ارتقای شغلی آنان در چارچوب تمهیدات پیش بینی شده را به انجام رساند (قانون برنامه سوم اقتصادی اجتماعی ایران، ۱۳۷۹: ۶۴-۶۳).

خوشبختانه بر اساس آیین نامه اجرایی ماده ۱۷ قانون برنامه چهارم توسعه نیز به اهمیت و نقش زنان در مدیریت مصرف آب و همچنین وظیفه‌مندی وزارت نیرو و دستگاه‌های ذی‌ربط در اجرایی نمودن آن تأکید خاصی شده است.

به استناد بند الف این ماده، وزارت نیرو موظف گردیده است تا به منظور آگاه سازی عمومی و جلب مشارکت مردم در اصلاح ساختار مصرف آب و با توجه به اهمیت نقش زنان به‌عنوان نیمی از جمعیت جامعه و فرهنگ سازان، با مشارکت وزارت جهاد کشاورزی، سازمان حفاظت محیط‌زیست، سازمان ملی جوانان، سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط، برنامه عمل مشارکت زنان در مدیریت آب را تهیه و به منظور ابلاغ به دستگاه‌های ذی‌ربط به تصویب شورای عالی آب برساند. علاوه بر موارد ذکر شده بر اساس بند ج همین ماده، بازبینی ساختار مدیریت منابع آب کشور به‌منظور مشارکت زنان در امر تولید، انتقال، حفاظت و بهره‌برداری منابع آب نیز مورد تأکید قرار گرفته است (ثابت رفتار، ۱۳۸۰: ۳۹).

بلکه اعضای که در این مورد تجربه و مهارت دارند، تصمیم‌گیری می‌کنند. بر اساس بررسی‌های انجام شده زنان عضو شوراهای نیز در تصمیم‌گیری‌ها یا اصلاً نقشی نداشته و یا سهم ناچیزی دارند. شورای اسلامی روستا برای اعمال مدیریت، نظرات و آرای زارعین و شالی‌کاران را مدنظر قرار می‌دهد و با توجه به نظرات آنان تصمیم‌گیری می‌کند. در این مرحله یعنی در مرحله‌ای که نظرات سرپرست خانوارها شکل می‌گیرد و به شوراهای منتقل می‌شود، با توجه به اینکه زنان نقش مؤثری در فعالیت‌های کشاورزی دارند به هر صورت در تصمیم‌گیری‌های داخل خانوار نقش داشته و این نقش در انتخاب میراب‌ها و سایر برنامه‌ریزی‌ها مؤثر واقع می‌شود (آریان و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۶).

از سوی دیگر زنان روستایی در جامعه ایران نقش‌های گوناگونی را بر عهده دارند: همسر، مادر، مربی و آموزگار، تولیدکننده محصولات کشاورزی، تولیدکننده صنایع دستی روستایی، همکاری در امور مزرعه، پخت و پز و تهیه آب (غنیان و همکاران، ۱۳۸۷).

در جامعه روستایی تأمین آب جهت شرب و شست‌وشو و نظافت اکثراً بر عهده زنان روستایی می‌باشد و این افراد در جهت بهره‌برداری بهینه از آب و جلوگیری از آلودگی‌های زیست‌محیطی و حفظ بهداشت فردی و آموزش کودکان در این مهم نقش اصلی را بر عهده دارند.

امروزه امر تهیه آب در اکثر روستاهای کشور با ایجاد چاه‌های عمیق و نیمه عمیق صورت پذیرفته و این امر موجب ایجاد فراغت خاطری برای زنان روستایی گردیده است. زنان علاوه بر تهیه آب برای جهت پخت‌وپز، شست‌وشوی البسه، بهداشت شخصی، نظافت و گندزدایی و دفع فضولات، مسئول چگونگی مصرف آن در خانه و در بعضی موارد در مزرعه می‌باشند. با تأکید بر مدیریت آب در ساختار جامعه، اکنون در بعضی از روستاها نیز زنان عهده دار امور مربوط به چاه‌ها شده و مورد شناسایی محل و حتی نگهداری از آن را بر عهده دارند. زنان روستایی در مورد بهداشت منابع آب و پاکیزگی آبریزگاه‌های عمومی و دفع فضولات، نقش مهمی را بر عهده دارند (رابط، ۱۳۸۰: ۷-۸).

نقش زنان روستایی را در بهره‌گیری از منابع آب، حداقل به دو شکل می‌توان بیان کرد: الف) زنان روستایی از تخریب منابع آب و آلودگی آن کاملاً مطلع هستند؛ ب) زنان روستایی با آموزش به افراد خانواده، چگونگی استفاده از آب در خصوص صرفه جویی و رعایت نکات بهداشتی

در راستای تحقق اهدافی که در جهت افزایش همکاری زنان صورت گرفته است، برای مثال می‌توان به نقش زنان در چرخه آب‌رسانی و توزیع و مصرف آب در کلان شهر تهران اشاره کرد:

(الف) در بررسی منابع آب، مطالعات حوزه‌های آبی، تبیین تخصیص منابع، نقش زنان به‌عنوان مشارکت کنندگان در امر کارشناسی و مدیریت آب در تهران محسوس است. **(ب)** هنگامی که تونل‌ها و خطوط آب‌رسانی قطور و چاه‌های عمیق تأمین‌کننده آب تهران، بدون وقفه حجم عظیمی آب را به تهران منتقل می‌کنند. در اولین ایستگاه سنجش کیفیت با نظارت در نمونه‌برداری و انجام آزمایش‌ها و بهره‌گیری از نتایج آن، نقش زنان در کنترل کیفیت آب تهران شکل می‌گیرد و پایش آب در شبکه، دستورالعمل‌ها و نظارت‌های اعمال شده در این خصوص نقش زنان را هم به‌عنوان مدیران و هم به‌عنوان بهره‌برداران به‌خوبی مشخص می‌نماید.

(پ) در مرحله تصفیه آب، نقش زنان در کسوت مدیر تصفیه خانه، مسئول نظارت و تنظیم فرایند در امر بهسازی و تصفیه آب نقش مؤثری است.

(ت) آزمایشگاه‌های مدرن و گسترده آب تهران با حضور فعال و آمیخته با صبر و تعهد زنان و بانوان و با دقت و حساسیت خاص آنان در کنترل کیفیت، نقش کلیدی در اداره کیفیت آب تهران دارد. این حضور آگاهانه برای کسانی که از آب نظارت شده و گوارای شهر تهران استفاده می‌کنند، اطمینان بخش است.

(ث) برای رساندن آب سالم تا محل‌های مصرف و احساس رضایت و قناعت وجدانی از تحویل آب سالم و پاک، نیاز به نظارت مسئولانه و کنترل کیفیت آب در طول شبکه گسترده آب تهران می‌باشد که با مشارکت و دخالت بانوان شاغل در این امر، این نظارت با دقت و ظرافت کافی انجام می‌شود.

(ج) حضور زنان در رسیدگی به پیام‌ها، شکوائیه‌ها، رفع نارسایی و نواقص و حوادث آب شهری که از طریق مجموعه منظم ارتباطی ۱۲۲ صورت می‌گیرد، حضوری مؤثر و کارگشا می‌باشد.

(چ) آموزش و اطلاع رسانی عمومی از طریق مراجعه به منازل و مراکز مصرف و ارائه اطلاعات، دستورالعمل‌ها، توضیح ابعاد و شیوه‌های مصرف در کسوت مروجان فرهنگ بهینه مصرف، توسط زنان از سال ۱۳۷۹ در آب و

فاضلاب استان تهران جایگاه ویژه‌ای دارد.

(ح) پس از رساندن آب به مراکز مصرف، حلقه دیگری از مدیریت، وظیفه‌مند می‌شود و بار مسئولیت را بر دوش می‌گیرد. در این مرحله مدیران شاداب کانون‌های گرم خانواده و مدیران مسئول امر اقتصاد و محیط‌زیست خانه و محله و شهر دست به دست هم می‌دهند و مجموعه‌ای از تلاش‌ها شکل می‌گیرد.

(خ) اثرگذاری در شیوه‌های مصرف در بخش‌های شست‌وشو، بهداشت، پخت و پز، کنترل سیستم‌های سرمایش و گرمایش و مصارف باغچه که جملگی زیر نظر مدیریت کانون اقتصادی خانواده، یعنی زنان شکل می‌گیرد. **(د)** آموزش عملی از طریق رفتار مصرفی صحیح و آموزنده و آموزش‌های علمی و کلامی به فرزندان و نسل آتی از اقدامات آگاهانه زنان در محیط خانواده و مراکز آموزشی است.

(ذ) حضور زنان در کانون‌های مختلف تعلیم و تربیت، از قبیل مدارس، فرهنگ‌سراها، مجتمع‌های مسکونی و اثرگذاری در اطلاع رسانی و آموزش در خصوص آب، از دیگر نقش‌های مدیریتی و مشارکت زنان در امر آب تهران است.

چنان‌که می‌بینیم حضور زنان در تشکلهای مختلف، از جمله تشکلهای آب و محیط‌زیست و ارائه آموزش‌های مستقیم به‌صورت کارگاه، سمینار و یا در قالب بازدیدهای مختلف همواره یکی از راه‌های آموزشی در بهبود روش‌های صحیح مصرف آب تهران بوده است (ستاری، ۱۳۸۰: ۲۶).

علی‌رغم انواع مشارکت‌هایی که زنان دارند، میزان مشارکت آن‌ها در مدیریت کیفی منابع آبی در ارگان‌های دولتی دخیل در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و حفاظت کیفی منبع آبی کمتر از ۲۰ درصد بوده؛ اما در بخش نظارت بر بهداشت و سلامت آب شرب تقریباً در نستی برابر با مردان نقش ایفا می‌کنند (ثابت رفتار، ۱۳۸۰: ۴۶).

تشکیل سازمان‌های غیردولتی در ایران به‌جز جنبه‌های سنتی آن مانند انجمن‌های خیریه و مذهبی، سابقه‌ای بسیار کوتاه دارد. در بین سازمان‌های غیردولتی موجود، بی‌تردید تشکلهای زیست‌محیطی زنان، نقش حیاتی و مؤثری را در فرایند توسعه پایدار ایفا می‌نمایند. در این رابطه زنان با توجه به شناختی که از سنت و باورهای مردم در مناطق مختلف کشور دارند، قادرند تا در زمینه‌های زیست‌محیطی به‌طور بسیار مؤثر عمل نمایند. مهم‌ترین جنبه حضور تشکلهای

قبول آن سخت بوده و زنان تجربه‌ای در آن ندارند (آریان و همکاران، ۱۳۸۰: ۵۹).

(ت) دسترسی زنان به حمایت‌ها و منابع اقتصادی مرتبط با فعالیت‌های آب به‌خصوص کشاورزی، محدود است.

(ث) کمبود تحلیل‌هایی که به تعامل و نقش‌های متفاوت زنان و مردان در برنامه‌ها و سیاست‌های مرتبط با مدیریت و حفاظت آب، توجه می‌کنند (اسمیرت، ۲۰۰۶: ۱۱).

(ج) زنان در اغلب جوامع نقش‌های چندگانه‌ای را در کارهای خانه، مراقبت از اعضای خانواده، مشارکت در کارهای تولیدی و کسب درآمد به عهده دارند. این امر می‌تواند در مواردی شروع فعالیت‌های جدید اجتماعی در زمینه کسب آموزش و یا مشارکت در سازمان‌های مصرف‌کنندگان آب را محدود کند.

(چ) علی‌رغم نقش چندگانه زنان در مدیریت خانه، مزرعه و سایر فعالیت‌های تولیدی، به دلیل محدودیت‌های فرهنگی-اجتماعی و نهادهای سنتی و اشتغال به امور خانه‌داری، دیدگاه‌ها و نظر ایشان در برنامه‌ریزی‌های مختلف، از جمله طرح‌های عمرانی لحاظ نمی‌شود.

(ح) در بطن هنجارها و باورهای فرهنگی-اجتماعی، بسیاری از جوامع نسبت به برخی از اقشار، از جمله زنان تبعیض وجود دارد.

(خ) نتیجه محدودیت‌ها و موانع موجود در مشارکت زنان، موجبات بی‌تفاوتی و یا مشارکت ضعیف و در برخی از موارد مقاومت و خصومت زنان را فراهم می‌آورد (علیپور و فکورین، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۰).

غیردولتی، بعد اجرایی فعالیت‌های آنان می‌باشد. این تشکلهای به‌خوبی قادر هستند تا توجه و حساسیت اقشار مختلف جامعه را نسبت به مسائلی از قبیل کنترل آلودگی‌های زیست‌محیطی و به‌ویژه آموزش روش‌های مصرف بهینه آب جلب نمایند. از مهم‌ترین اقداماتی که تاکنون با توجه به عمر کوتاه تشکلهای زیست‌محیطی زنان چندین بار در سطح شهر تهران انجام پذیرفته می‌توان به بسیج عمومی در پاک‌سازی زیست‌محیطی مسیر رودخانه‌ها و مسیل‌ها از زائدات جامد و برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای مخاطب یعنی زنان خانه‌دار در بعضی از مناطق شهری تهران اشاره نمود که در آن ۳۰ روش صرفه‌جویی در مصرف آب و استفاده مجدد از پساب معرفی گردید (همان: ۴۶).

بنا بر آنچه ذکر شد، نقش زنان کشورمان در مدیریت آب، و رای مدیریت مصرف در منزل است. آن‌ها می‌توانند با مشارکت در تعیین اولویت‌ها و برنامه ریزی برای طرح‌ها نقش مهمی در کمیته‌های آب یا تأمین نیروی کار مورد نیاز طرح‌ها را داشته باشند. مطالعات نشان داده است که مشارکت زنان در طرح‌های آبی موفقیت‌آمیز بوده و بهره‌وری این طرح‌ها را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود که آن‌ها از خدمات طرح بهره‌مند شوند. علاوه بر این باعث ارتقای موقعیت آنان در اجتماع و خانواده به دلیل فرصت‌هایی که از نظر آموزش عضویت در تشکلهای و انجمن‌ها، ایجاد موقعیت‌هایی برای تصمیم‌گیری، امکان برقراری ارتباطات و غیره می‌شود. اسناد و شواهد موجود در ایران و سایر کشورها مؤید این نکته است (علیپور و فکورین، ۱۳۸۷: ۷).

محدودیت‌های مشارکت زنان در مدیریت آب

(الف) در دوره شکار، جز تعقیب شکار، تمام کارهای دیگر تولید به عهده زنان بود. پیشرفت صنعت و پیدایش گاواهن لزوم حضور مرد را در مزرعه الزامی گرداند و کشاورزی و آبیاری از حیطة قدرت زن خارج شد، از آن به بعد به‌طور سنتی مردان مسئولیت آبیاری را به عهده داشته‌اند و زنان وظایف خانه‌داری را در کنار دامداری و دام‌پروری به عهده گرفتند.

(ب) اصولاً آبیاری و مسائل مرتبط با آن امری مردانه تلقی می‌شود.

(پ) اعتقاد به این که آبیاری کاری است پر مسئولیت و

۹- پیشنهادها جهت تقویت مشارکت زنان در مدیریت آب

- تدوین استراتژی ملی به‌منظور ایجاد حرکت‌های اصولی در راستای کاهش شکاف میان زنان و مردان.
- بازنگری و اصلاحات قانونی جهت رفع ابهامات و نارسایی‌های مربوط به حقوق اجتماعی و مالکیتی زنان در امور مربوط به آب.
- انجام اصلاحات نهادی جهت هموار کردن مشارکت فعال زنان در قالب نهادهای غیردولتی مستقل و یا مشارکت با مردان.
- ایجاد سازوکارهای هماهنگی بین دستگاه‌های مسئول و پشتیبانی‌کننده جهت افزایش تعاملات در

زنان و مردان استفاده شود. در این بین به‌کارگیری زنان در مدیریت منابع آب در مقیاس‌های کوچک نشان داده است که کارایی استفاده از آب بهتر شده است.

چنانچه ذکر شد روابط جنسیتی حداقل به سه شکل بر روابط اجتماعی اقتصادی برای دسترسی به آب تأثیر می‌گذارد:

اول؛ در همه جوامع تقسیم کار جنسیتی وجود دارد. تهیه آب از جمله کارهایی است که وقت نسبتاً زیادی می‌گیرد و این کار اغلب بر عهده زنان و کودکان خانواده است. در واقع زنان در اغلب جوامع بیش از مردان کار می‌کنند. **دوم؛** در بیشتر دنیا و مخصوصاً در آسیای جنوبی، اغلب سرمایه‌های تولیدی شامل زمین، کارخانه‌ها و منابع مالی در مالکیت مردان است. زنان معمولاً مجبورند به شیوه خرید آب روی بیاورند. **سوم؛** گفتمان سیاسی و هنجارهای محلی ممکن است استفاده اقتصادی از آب را در حوزه مردانه و استفاده خانگی را در حوزه زنانه قرار دهد؛ بنابراین فروودستی زنان، به مردان قدرت اقتصادی و اجتماعی بیشتری می‌دهد و همین مسئله به اولویت آنان برای تصمیم‌گیری راجع به آب منتهی می‌شود.

به‌کارگیری زنان در مدیریت منابع آب فوایدی دارد که از جمله آن‌ها می‌توان گفت: زنان و مردان دانش‌های نامتجانس گوناگونی دارند که کمک می‌کند عواملی را که به بهبود شرایط اجتماعی و طبیعی محلی منجر می‌شود، شناسایی کنند؛ پاسخ‌های افراد به پیش‌بینی‌ها و تغییرات ناگهانی در منابع آب و محیط، زمانی مؤثرتر است که تمام اعضای مجموعه بتوانند نظراتشان را راجع به چالش‌های پیش آمده، بیان کنند. علی‌رغم همه تأثیرات مثبتی که مشارکت زنان در محافظت و مدیریت منابع آب دارد، موانعی در سر راه آن‌ها وجود دارد.

نمونه‌های بسیار زیادی از مشارکت زنان در کشورهای مختلف از جمله ایران در زمینه مدیریت آب وجود دارد که بیانگر توان بالفعل و بالقوه زنان جهت بهبود کاربرد آب در زمینه‌های گوناگون می‌باشد. در ایران بسیاری از زنان روستایی در فعالیتهای کشاورزی شرکت می‌کنند و مسئول امور مرتبط با آب هستند. فعالیتهای زنان در نهادهای رسمی و غیررسمی مربوط به آب هم توسط سازمان دولتی و هم سازمان‌های غیردولتی تشویق و ترغیب شده است و این نوید دهنده سهم بیشتر زنان جهت مشارکت در امور مدیریتی و حفاظتی زنان در خصوص آب و سایر منابع طبیعی می‌باشد.

زمینه تقویت نقش و حضور زنان در مدیریت آب.

- انجام اقدامات لازم به‌منظور تسهیل انجام مطالعات «تحلیل جنسیتی» در طرح‌های مرتبط با آب و نظارت گروه‌های هدف بر برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های آب (ثابت رفتار، ۱۳۸۰: ۵۰).

- برنامه‌ریزی و کمک به امر آموزش زنان در رشته‌های فنی و تخصصی مربوط به آب.

- استفاده از متون و دروس خاص در طول دوره‌های آموزشی پایه و دبیرستانی.

- ایجاد تمهیدات لازم توسط سازمان‌ها به‌خصوص شورای شهر برای برگزاری نمایشگاه‌ها و نشست‌های زنان در امر آب.

- انجام بازدیدهای مستمر از تأسیسات آب و فاضلاب.

- عضوگیری و صدور کارت رابط آب با دستورالعمل‌های مشخص برای زنان در مجتمع‌ها و مراکز عمده مصرف و همچنین مدارس دخترانه و ارسال نشریات و اطلاعات منظم برای آنان و دعوت به نشست‌های گروهی در مقاطع مختلف (محمودی، ۱۳۸۰: ۳۱).

توانمندسازی زنان از لحاظ اقتصادی یکی دیگر از راهکارهای تقویت مشارکت زنان می‌باشد. از جمله این فعالیت‌ها عبارت‌اند از:

- شناسایی و معرفی موقعیت‌های اشتغال برای زنان.
- اختصاص برخی از مشاغل در تشکلهای به زنان جهت تأمین نیروی انسانی مورد نیاز.

- دسترسی زنان به منابع مالی.

- از آنجا که مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ارتباط با هم و تأثیرات متقابل می‌باشند؛ لذا استقلال اقتصادی زنان نه تنها در رفع نیازهای خانوار بلکه در ارتقاء موقعیت و جایگاه اجتماعی آنان نیز مؤثر است (علیپور و فکوریان، ۱۳۸۷: ۱۳).

۱۰- بحث و نتیجه‌گیری

طی سال‌های آینده «آب شیرین» از جمله مهم‌ترین مسائل درگیری‌های بین‌المللی خواهد شد. جهت به‌کارگیری راهکارهای مناسب برای مدیریت هرچه بهتر منابع آب، لازم است که از تجارب و توانمندی‌های همه جامعه یعنی

منابع

مصرف آب». برگرفته از سایت www.irpds.com/FileEssay. صص

۱-۱۵.

غنیان، منصور؛ دادورخانی، فضیله؛ قدیری معصوم، مجتبی (۱۳۸۷). «نقش زنان روستایی در بهره‌برداری، حفاظت و احیاء عرصه‌های طبیعی بیابانی (مطالعه موردی استان خوزستان)». *مجله پژوهش زنان*، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۳۵-۱۱۹.

قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹). برگرفته از سایت www.ipo.ir.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۷۷). نابرابری و کشریندی اجتماعی. شیراز: مرکز نشر دانشگاه شیراز.

محمودی، ستار (۱۳۸۰). «نقش زنان در مدیریت آب شهری تهران». *مجموعه مقالات کارگاه نقش زنان در مدیریت منابع آب تهران: مرکز منطقه‌ای مدیریت آب شهری*.

Agarwal, B. (2000). "Conceptualizing Environmental Collective Action: Why Gender Matters". *Cambridge J. Econ.* 24(3), pp. 283-285.

Al-Naber, S. and M. Shatanawi (2012). "The Role of Women in Irrigation Management and Water Resources Development in Jordan". pp. 97-113, cited by www.docfiles [29-11-2012].

Booth, D., J. Holland, J. Hentschel, P. Lanjouw, and A. Herbert (1998). "Participation and Combined Methods in African Poverty Assessment: Renewing The Agenda". DFID Issues. Social Development, Africa Division. London: Department for International Development.

Crow, Ben & Farhana Sultana (2002). "Gender, Class, and Access to Water: Three Cases in a Poor and Crowded Delta". *Society and Natural Resources*. 15, pp. 709-724.

Davey, Olav Kjørven Ethne, (2006). "Mainstreaming Gender in Water Management", Gender and Water Alliance & UNDP.

El-Kady, M., M. Tawfik, I. El-Ghorab (2012). "Women's Role in Water Management in The Egyptian Society", pp. 67-76, cited by ressources.ciheam.org [29-11-2012].

Guiriba, Glenton O. (2010). "The Role of Women

آریان، طاهره و همکاران (۱۳۸۰). «نقش زنان در آبیاری (مطالعه موردی: دشت‌های هراز و تجن)». *مجموعه مقالات کارگاه نقش زنان در مدیریت منابع آب تهران: مرکز منطقه‌ای مدیریت آب شهری*. ثابت رفتار، عالیه (۱۳۸۰). «نقش زنان در ارتقاء مدیریت کمی و کیفی آب». *مجموعه مقالات کارگاه نقش زنان در مدیریت منابع آب تهران: مرکز منطقه‌ای مدیریت آب شهری*.

رابط، علیرضا (۱۳۸۰). «نقش زنان روستایی در توسعه پایدار منابع آب». *مجموعه مقالات کارگاه نقش زنان در مدیریت منابع آب تهران: مرکز منطقه‌ای مدیریت آب شهری*.

روستایی، نادیا (۱۳۸۰). «نقش زن در مدیریت محیط‌زیست». *مجموعه مقالات کارگاه نقش زنان در مدیریت منابع آب تهران: مرکز منطقه‌ای مدیریت آب شهری*.

علیپور، حسن؛ فکوریان، طاهره (۱۳۸۷). «نقش زنان در مدیریت

in Environmental Conservation in Sorsogon Province", Philippines, 4th Asian Rural Sociology Association (ARSA) International Conference, Legazpi City, Philippines, pp. 106-112.

Interagency Task Force on Gender and Water (2004). "A Gender Perspective on Water Resources and Sanitation", Commission on Sustainable Development, Twelfth Session, New York, pp. 3-25.

International development research center (2004). "Gender and Water Demand Management". Diagnostic Study. pp. 1-26.

Noreen, Sofia (2012). "Women and water". Aurat Publication and Information Service Foundation, Lahore.

Rawles, Simon (2012). "Water Resource Management & Gender", pp. 1-12, cited by [Www. www.ORG.UK].

Resurreccion, Bernadette P., Mary Jane Real, and Panadda Pantana (2004). "Officialising Strategies: Participatory Processes and Gender in Thailand's Water Resources Sector". *Development in Practice*. Volume 14, Number 4, pp. 521-533.

Sen, G. (1996). "Gender, Markets and States: A Selective Review and Research Agenda". *World Dev.* 24 (5), pp. 821-829.

Smirat, Samira (2006). "Role of Women in Water Management and conservation in Jordan", Environment, Community participation, Gender and Socioeconomic Specialist (PLAN: Net), pp. 1-34.

Veng, Chan Ngai & Vilas Nitivattananon. (2007). "The Role of Gender in Domestic Water Conservation

in Malaysia", *Malaysian Journal of Environmental Management*. pp.109 – 129.

Were, Elizabeth, Brent Swallow, and Jessica Roy (2006). "Water, Women, and Local Social Organization in the Western Kenya Highlands". *CAPRI Working Paper*, No. 51, pp. 1-41.